



◀ احسان بدآغی - خبرنگار / در یک سال
باقی مانده از عمر دولت دوازدهم،
دولت چه اولویتهایی را باید در دستور
کار قرار دهد؟ امکانات و ظرفیتهای

آن برای به انجام رساندن برنامه‌هایش چقدر است؟ در
این مسیر با چه مشکلات و موانعی ممکن است روبه‌رو
شود؟ این محور اصلی پرسش‌هایی است که با کیومرث
اشتریان، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در میان
گذاشته‌ایم. او توصیه می‌کند مهمترین برنامه‌ای که
دولت در یک سال باقی مانده می‌تواند انجام دهد که در
حکم باقیات الصالحات برای دولت‌ها و سیستم سیاسی
در آینده باشد، اصلاح نظام برنامه‌ریزی در کشور و توجه به
بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه است. اشتریان این را هم
توضیح داده که دولت روحانی بیش از اندازه مورد حمله
قرار گرفته و با وجود برخی ادعاها و فضاسازی‌های منفی
علیه دولت، کارنامه آن قابل دفاع است.

راهکار پیشنهادی کیومرث اشتریان برای یک سال پایانی دولت

اصلاح برنامه‌ریزی‌های ۵ ساله

می‌توان ایرادات محتوایی زیادی به همین
برنامه‌های توسعه گرفت اما آنچه که من گفتم هم
مشکل اساسی و بزرگی است که من معتقدم بخش
عمده‌ای از عدم اجرای برنامه‌های توسعه مربوط
به آن می‌شود. در برنامه‌های توسعه ما، عدد ۵ هیچ
مبنای منطقی ندارد و یکی از کارهای واجب این است
که آن را تبدیل کنیم به برنامه‌های ۴ ساله. آن هم به
این شکل که برنامه‌های ۴ ساله در ابتدای هر دولت
به تصویب مجلس برسد و هر دولتی مسئول اجرای
برنامه خودش باشد. الان فرصت خوبی برای این کار
است. به نظرم یک کار خوب توسط دولت که می‌تواند
انجام شود این است که تا پایان سال قانون برنامه
هفتم را تهیه کند.

■ **خب اینکه باز می‌شود نوشتن برنامه توسعه برای
دولت بعدی. یعنی در نهایت همان چیزی می‌شود
که الان هم هست.**

نه منظورم این نیست که به طریق گذشته باشد.
این اتفاق باید قطعاً به شیوه دیگری رخ بدهد.
یعنی بیاید و برنامه هفتم را تا پایان سال تدوین
کند و به مجلس هم بدهد. کسانی که قصد ریاست
جمهوری دارند از همین الان می‌توانند در جریان
این برنامه قرار گیرند و از جزئیات آن مطلع باشند.
به همین ترتیب نکاتی که در ذهن دارند، تغییراتی که

برنامه‌های توسعه کشور ۵ ساله هستند و اینها هیچ
انطباقی با هم ندارند. در این وسط هم بحث مجلس
است که انتخابات آن هم به صورت نامتوازی از نظر
زمانی و انطباق با تغییر دولت قرار دارد. اگر بحث
انتخابات مجلس را کنار بگذاریم فقط بر قوه مجریه
تمرکز کنیم می‌بینیم که برنامه‌های توسعه گاه در آخر
یا اواسط دوره یک دولت نوشته می‌شوند و یک دولت
دیگر باید آنها را اجرا کند. در حالی که اولاً این انقطاع
باعث گسست حافظه دیوانسالاری می‌شود، ثانیاً
اولویت‌ها مشمول مرور زمان می‌شوند و ثالثاً رویکرد
و سیاست این دو دولت با هم ممکن است همخوانی
نداشته باشد؛ البته دو موضوع اول مهم‌تر از مورد
آخری است. حتی اگر دولتی بایک رویکرد برنامه‌ای
بنویسد و دولتی با رویکرد متفاوت یا حتی متضاد باید
آن را اجرا کند. این یک سیکل معیوب و نامتوازن است
که باید اصلاح شود.

■ **یک آماری وجود دارد مبنی بر اینکه تنها حدود
۲۵ درصد برنامه‌های توسعه ۵ ساله کشور اجرا
شده‌اند. شما می‌خواهید بگویید که عدم اجرای ۷۵
درصد از این قوانین ناظر به عدم تناسبی است که
عنوان کردید؟ نقش عوامل دیگر در این خصوص چه
می‌شود؟**

قطعاً عوامل دیگر هم دخیل هستند و حتی

■ **در سال پایانی عمر دولت به نظر تان چه اقداماتی
باید توسط قوه مجریه در اولویت قرار بگیرد. به
عبارتی در این یک سال دولت می‌تواند چه کارهایی
بکند که سود و منفعت بیشتری برای کشور در پی
داشته باشد؟**

طبیعتاً وقتی می‌خواهیم درباره این موضوع
صحبت کنیم که دولت باید چه کند باید دو محدودیت
را در نظر بگیریم؛ یکی محدودیت‌های زمانی است
و دیگر هم محدودیت‌های عمومی نظیر بحث‌های
مالی یا حوزه اختیارات و مسئولیت‌ها. من فکر می‌کنم
دولت الان در این شرایط باید روی موضوع فکر کند
که می‌تواند چه میراث مثبت و قابل توجهی برای
دولت‌های بعد از خودش باقی بگذارد. من می‌خواهم
روی این موضوع تمرکز کنم که ما یک مشکلی
در کشور داریم و آن هم این است که سیکل‌های
سیاسی ما با سیکل سیاستگذاری مان انطباق ندارد.
این در هم تنیدگی باعث شده که در مسیر اجرای
برنامه‌های مختلف کشور شاهد اصطکاک‌هایی
توسط نهادها و فرآیندهایی باشیم که ضرورتی ندارند.
به همین دلیل نظام برنامه‌ریزی ما دچار مشکلاتی
شده و سبب شده تا بسیاری از برنامه‌ها اجرا نشوند.
این سیکل سیاستی و سیکل سیاسی یعنی اینکه
دوره‌های ریاست جمهوری ما چهار ساله هستند، اما